

# فکر دموکراسی اجتماعی

## در نهضت مشروطیت ایران

نوشته

فریدون آدمیت



تهران - ۱۳۸۸

## فهرست

### قسمت اول:

- بخش نخستین : دموکراسی اجتماعی و فرقه‌های اجتماع‌یون ۳  
بخش دوم : مسائل دموکراسی اجتماعی ۳۴  
بخش سوم : حرکت دهقانی و سیاست مجلس اول ۶۵  
بخش چهارم : ترقی فکر دموکراسی اجتماعی ۹۵  
بخش پنجم : کارنامه فرقه دموکرات ایران ۱۲۹

### قسمت دوم:

#### رسول زاده : اندیشه‌گر سوسیال دموکراسی

- مقدمه تاریخی ۱۵۵  
در دموکراسی ۱۶۹  
در سوسیالیسم ۱۹۷  
در کمونیسم روسی ۲۵۳  
ضمیمه ۲۸۱  
فهرست نام کسان ۲۸۵

## دموکراسی اجتماعی و فرقه‌های اجتماعیون

نهضت ملی مشروطیت از نوع جنبش‌های آزادیخواهی طبقه متوسط شهرنشین بود. مهمترین عناصر تعقل اجتماعی و ایدئولوژی آن نهضت را دموکراسی سیاسی یا لیبرالیسم پارلمانی می‌ساخت. در این جنبش، همچون اغلب حرکت‌های اجتماعی، طبقات و گروه‌های مختلف مشارکت داشتند - طبقات و گروه‌هایی با افق اجتماعی - سوناگون و وجهه نظرهای متمایز. روشنفکران اصلاح طلب و انقلابی هردو، بازرگانان ترقیخواه، و روحانیان روشن‌بین سه‌عنصر اصلی سازنده آن نهضت بودند.

روشنفکران که جملگی در زمره درس خواندگان جدید بشمار می‌رفتند، نماینده تعقل سیاسی غربی بودند، خواهان تغییر اصول سیاست، و مروج نظام پارلمانی. تکیه‌گاه فکری این گروه، در درجه اول، اندیشه‌های انقلاب بزرگ فرانسه بود. حتی در اوائل نهضت می‌شنویم که: «سوانان پرشور» هر کدام رساله‌ای از انقلاب فرانسه در بغل دارند، و می‌خواهند دل ربسپیر و دانتن را بازی کنند... گرم کلمات آتشین اند.»<sup>۱</sup> شگفت نیست که در اوان مشروطیت هم دو کتاب در انقلاب فرانسه ترجمه شده باشد. بازرگانان که فعالیت اقتصادی جدید را مدتی بود آغاز کرده بودند -

طبیعه<sup>۱</sup> در پی بدست آوردن پایگاه اجتماعی تازه‌ای بودند. این طبقه بانروی انگیزشی که نشانه‌هشیاری اجتماعی‌اش بود، در سیاست ظاهر گشت. و همراه اصلاح‌طلبان در جهت مشروطه‌خواهی قدم برمی‌داشت.

روحانیان تحت‌تأثیر و تلقین و نفوذ اجتماعی عقاید روشنفکران آزادیخواه قرار گرفتند که به مشروطگی گرایش یافتند، و بر اثر آن بود که به تأویل شرعی و توجیه اصولی مفهوم مشروطیت برآمدند. بهترین توجیه شرعی سیاست مشروطیت را در دو رساله «تنبیه‌الامت و تنزیه‌الملت» و «اصول عمده مشروطیت» می‌یابیم.<sup>۱</sup> در هر دو رساله تأثیر تعقل سیاسی جدید منعکس است. سخن سید محمد طباطبایی مجتهد در مجلس شورای ملی مؤید همان نتیجه‌گیری تاریخی ماست. گفت:

«ما ممالک مشروطه را که خودمان ندیده بودیم. ولی آنچه شنیده بودیم، و آنهایی که ممالک مشروطه را دیده، به ما گفتند مشروطیت موجب امنیت و آبادی مملکت است. ما هم شوق و عشقی حاصل نموده، تا ترتیب مشروطیت را در این مملکت برقرار نمودیم.»<sup>۲</sup>

آن صحیح است جز اینکه «ترتیب مشروطیت» را جماعت روحانیان «برقرار» نکردند - بلکه در قیام عمومی سهم بسیار مهمی داشتند و در تأسیس مشروطیت مؤثر بودند - امانه به حدی که خودشان پنداشته‌اند با تاریخ‌نویسان مشروطیت تصور نموده‌اند. ملایان در درجه اول در پی ریاست فائده‌روحانیت بودند، نه معتقد به نظام پارلمانی ملی و سیاست عقلی. رأی ما در این مقوله غیر از نظر کلی دیگران است. فعلاً از این مسأله می‌گذریم تا در کتاب دیگر آنرا بشکافیم.

به هر صورت، در آغاز تکوین نهضت مشروطیت، فکر دموکراسی

۱. بحث انتقادی ما راجع به این دور ساله در کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت منتشر خواهد شد.

۲. مذاکرات مجلس، ۱۴ شوال ۱۳۲۵.

اجتماعی هنوز نفوذی پیدا نکرده بود، و در ایدئولوژی آن نهضت تأثیری نداشت. با پیشرفت حرکت ملی و اعلام مشروطیت و تأسیس مجلس - زمینه تحول فکری و سیاسی تازه‌ای فراهم آمد: جنبش مشروطه‌خواهی نیرویی روزافزون یافت؛ در سایه آزادی فعالیت اجتماعی پهنا گرفت؛ تحرك اجتماعی از شهر به روستا سرایت پیدا کرد و طبقه دهقان که هیچ دخالتی در پیدایش آن نهضت نداشت، حالا می‌رفت که هشیاری تازه‌ای بیابد و بحرکت آید؛ عنصر مجاهدین و اجتماعيون با تفکر سوسیال دموکراسی به پهنه سیاست مشروطیت پانهاد؛ اندیشه دموکراسی اجتماعی در ایدئولوژی مشروطیت پدیدار گشت. اما از نظر گاه سنجش تاریخی نباید در آن معانی که نتیجه‌گیری کلی ماست، غلو کنیم؛ نه ماهیت آن تحول را نادیده بگیریم، و نه تصویری شاعرانه از آن بیافرینیم، بلکه حدش را در تحول تاریخی دقیقاً بشناسیم.

بحث در مفهوم دموکراسی اجتماعی، پیدایش و نشو و نماي آنرا به بخشی دیگر جا می‌گذاریم. برای اینکه زمینه گفتار فعلی ما روشن باشد کافی است به اجمال بگوییم همانطور که تکیه‌گاه فلسفی دموکراسی سیاسی فردیت است، پایه‌اش انتخابات آزاد و آزادی‌های اجتماعی، و مظهرش نظام پارلمانی - منشاء تفکر دموکراسی اجتماعی اصالت جمع است، پایه‌اش تأمین عدالت اجتماعی، از میان برداشتن نابرابری‌های اجتماعی، تضمین مساوات اقتصادی، و بالاخره اجتماعی ساختن قدرت اقتصادی و سیاسی. فعلاً هم کاری نداریم که دموکراسی اجتماعی را مکمل دموکراسی سیاسی می‌شناسیم، نه مجزا و منفک از آن. دموکراسی مفهوم واحدی است که دموکراسی سیاسی و اجتماعی را دربر دارد، و اساساً از تألیف هردو بوجود می‌آید. مسأله لطیف فلسفه سیاسی جدید در نسبت تألیفی آن دو عنصر اصلی دموکراسی است. غایت آن تأمین نیازمندی‌های آدمی است، و تضمین حیثیت انسانی.

\* \* \*

مقدمه گفتار ما در آشنایی با فکر دموکراسی اجتماعی است.